

در پس صورت ظاهر

نوشته پل آهیی

هیچکس از آثار هنری سیامیوستان ساحل بن، بنظر نمی‌رسد که برای خوشایند یا لذت آنی بوجود آمده باشد. در این بخش از جهان هنر که سخت متعهد به بیان معنای انسان است، نیازی است که از آن طریق، انسان سیامیوست تعادل قوانین آنچه ذاتی اوست و پدیده‌های را که بیرون از ذات انسانی او قرار دارند، برقرار می‌کند.

کوشش برای شناختن معنای هنر و اثر هنری در این بخش از جهان دستزله تلاش برای نفوذ به محیط گرم و پرمهرات و درک صیقل‌ترین، حساس‌ترین، و در عین حال پنهان‌ترین اصل پیوند اوست.

اما در غالب موارد، آنچه در اثر هنری سیامیان جستجو می‌شود، بیشتر واقع‌گرایی، یا جذابیت نمایشی یا فراتر، یا نوعی غریزه جنسی بنجل و بازاری است. نه جوهر اخلاقی انسان در پیوند خود با جهان هستی. حال آنکه درست از طریق انتقال شکلها، جدی بودن توأم با آرامش سرکات و اوضاع است که هنر سیامیان را از وراء زمان و مکان، به قدرت بسین هنرهای مصر، سوریه و آمریکای پیش از کلب می‌پیوندد. زیرا اثر هنری، بیان انسان در مقابل طبیعت است. اثر هنری پاسخ انسان به پدیده‌های خارجی است و اثر هنری، در عین حال علم است. ماقبل علم است. فیک‌گویی است. جادوگری است.

برای سیامیوست، این آثار، که شکلها و تناسبهای آن به هیچوجه مطابق دید طبیعی از اشیاء نیست، در حکم محمل‌های اخلاقی و فکری و وسیله‌شناختی است که برای استفاده مردم بوجود آمده است. این آثار، در عین حال، بیان‌کننده مسائلی است که جهان مطرح می‌کند و پاسخی است که انسان سیامیوست، در مرحله‌ای از تاریخ، به آنها می‌دهد. فاین آثار به‌عنوان ناقل اندیشه، قوانین اجتماعی و کیهانی حاکم بر جهان را، به هنگام خلق انسانها، پیروم انتقال می‌دهند. طی سده‌ها یا هزاره‌ها، و تا هنگامی که وجود داشته باشند، این آثار همچنان سرشار از این معنی بوده‌اند و خواهند بود. اگر هنرمند سیامیوست هناس طبیعی را طبق قوانین دیگر ازهم تفکیک می‌کند، از آن دوست که می‌خواهد در موجود زنده، تسلط مدامت را برصداقه زندگی در صورت ظاهر، استواری را برزودگذری برقرار و آبدی‌سازده مسئله به یک معنی عباتر است از واقعیت هستی و نادید خویشش را در اختیار اندیشه قراردهان.

در بخش استواری آفریقا، زرد بافتوا، وقتی کسی می‌میرد، مجسمه او را از چوب یا از مواد دیگر درست می‌کنند. این مجسمه که تصویر او، و نه شبیه اوست، تکیه‌گاه است جانشین جسم محسوس از نیروی زندگی او، که بنگا سیرده می‌شود. این مجسمه الشائی قانان‌بدر اوست که از آن پس بناهگاه دریاچه زندگی است. و اگر هنرمند بر آنشود که به این رایچه زاد آمده، شکلی‌سواي شکل‌ولوله‌اش‌دهد، از آن‌دوست که هنرمند سیامیوست با طرز فکر عرفانی خود، نمی‌تواند رایچه را به‌جان پیشین به‌شکلی که بعلمت خشکنی یا عدم تناسب هارایش کرده است، وادارد. از این‌دو پدیرش رایچه ستارم آفرینشی کاملاً تازه است. برطبق انسان‌هایی که برشک از زندگی بیکنسو حقیقت داشته است. یک روز، کارشنگری که دوست مسیم این استاد هنر نو بود، برایش حکایت می‌کند که در آفریقا مسی کشکوری، او را برانگشت تا او کشی‌سیامیان را در برابر یک عکس‌بیننده، او عکس خود را در لباس افسری نیروی دریایی، در مقابل ایشان قرار داد سیامیوستی عکس را برداشت. آنرا در جهات مختلف چرخاند و دست آخر می‌آنکه چیزی فیمیده باشد، آنرا پس داد. کارشنگر کوشیده به‌قولی‌فماد که این‌عکس، تصویر خود اوست. سیامیوست از روی نابوری خندید. کرد و مداد و کاغذی بلمست گرفت و به‌کشیدن تصویر او پرداخت. او، به شیوه خود، سر، بدن، پاها و دستهای افسر را باسیمک پش‌های سیامیان کشید و آنرا به‌لمست مدل خود داد. اما پس از لحظه‌ای آنرا بازپس گرفت. زیرا تکه‌های براق لباس

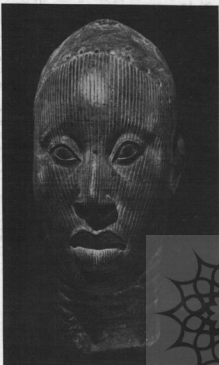


Photo - Musée d'Art Negre

این سر پرتزی آتشه به‌یوم متعلق به‌قرن ۱۲، نمونه کاملی از هنر آفریقا، در نیجریه است. توسعه سیاسی و مذهبی شهر ایته، این محل را مرکز بزرگ فرهنگ یوروبا مبدل کرد. یوروبا، تنها در ۱۹۹۰ بود که جهان با شناختن مجسمه‌های پرتزی دوره موسوم به کلاسیک این فرهنگ (از قرن ۱۲ تا ۱۵) با استقبال فرورفت. ایته به‌یکي از مراکز والای هنر جهانی مبدل شده است.

افسری را فراموش کرده بود. او فکر کرده‌ها را به تصویر آورد. منتها بجای آنکه آنها را درجای خود قرار دهد، در اطراف صورت نقاشی کرده این جسمی یا افسانه‌ای پیش نیست. اما جفند بیان‌کننده وضعی است که سیامیوست در مقابل موجود می‌گیرد. این فسه شاهدگیایی است از آزادی بیان و اجرا در جریان آفرینش، زیرا در نظر این نقاش، موجود تنها آن نیست که به‌نظم می‌سند، بلکه است که با چشم روح دیده می‌شود. کتکه‌های آفرینی که به‌تصویر خود آفرود، نشان‌دهنده زود و پرفش است که با آرزو حقیقی موجود، رابطه‌ی بسیار دور دارد و در حکم ترنیمانی است که به زندگی آفروده می‌شود، نه عناصری از این زندگی.

پل آهیی Paul Ahissah نویسنده توکوسی که در رفته هنرهای جنسی در دلمه، تدریس می‌کند. این مقاله از اثر تحقیقی مفصلی زیر عنوان موضوع کنونی آفرینش هنری در آفریقا و اثر آن در خارج از آفریقا، اقتباس شده است. اثر مذکور به‌درواست یونسکو به‌عنوان سندی برای ارائه به‌سیوزیوم لندن سیامیان و آموزش و پرورش که دومین مجمع جهان سیاه و چشواره هنرها و فرهنگها (لاکوس، پنجمه، ۱۵ تا ۱۹ فوریه ۱۹۶۷) برگزار شده، فراهم آمد.